



توسعه روستایی با رویکرد گسترش فضای کسب و کار با رهیافت خوشه‌ها: مطالعه مروری

محمد تیرگری سراجی^{*}، محمود دانشور کاخکی^۲

^۱ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد/ دانشگاه فردوسی مشهد- گروه اقتصاد کشاورزی، گرایش سیاست و توسعه روستایی، ^۲ استاد و

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

توجه به مفهوم آگاهی و رقابت‌پذیری عامل بقای اقتصادهای روستایی در مقابل موج توسعه برآمده از صنعتی شدن و شهرنشینی می‌باشد. چرا که بسیاری از صنایع معیشتی خانوارهای روستایی و یا ساکن در مناطق دور از دسترس در اثر عدم رقابت‌پذیری با صنایع شهری حذف شده؛ بنابراین دفع و رفع اثرات جانبی کفنی توسعه اقتصادی بر اقتصادهای محلی (روستایی) با در پیش گرفتن رویکردهای توسعه منطقه‌ای توسط دولت‌های ملی و محلی ضروری است. توسعه روستایی مستلزم به کارگیری صنایع روستایی متنوع کشاورزی و غیر کشاورزی و استفاده از زمین، مشاغل جدید روستایی و درآمدهای سرانه بالاتر است. یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای حذف نواقص فوق و دستیابی به توسعه روستایی از طریق رقابت‌پذیری بنگاه‌های روستایی، استفاده از قابلیت خوشه‌های روستایی است. خوشه‌ها مفهومی است که از دو دهه قبل به طور گسترده‌ای مورد توجه محققان و سیاست‌گذاران قرار گرفته‌است. خوشه‌ها در برنامه‌های توسعه منطقه‌ای اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۲۰ نقش پررنگی دارد. قابلیت خوشه‌ها در حذف آثار جانبی منفی ناشی از توسعه اقتصادی بر روستاها در حین رونق بخشی به کسب و کارهای کشاورزی و غیر کشاورزی جالب توجه است. این نقش از طریق توجه به مولفه‌های انتقال دانش و نوآوری قابل تحقق می‌شود. تاکنون مطالعات بسیاری در تبیین و بسط خوشه‌ها توسط محققان و یا به سفارش سازمان‌های بین‌المللی انجام گرفته است. هدف از انجام مطالعه پیش‌روی مروری بر مطالعات گذشته و تبیین قابلیت‌ها و کارکردهای خوشه‌های روستایی به منظور استفاده بهینه از عوامل اقتصادی، منابع طبیعی و زیرساخت‌های روستایی در راستای افزایش اشتغال و بهبود فضای کسب و کار روستایی، جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرها، افزایش سطح آگاهی از فرصت‌های نهفته در محیط روستاها و شکوفایی استعدادهای طبیعی و انسانی (اعم از مردان و زنان) با تاکید بر افزایش دانش و نوآوری می‌باشد.

واژه های کلیدی: توسعه روستایی، خوشه‌های روستایی، انتقال دانش، رقابت‌پذیری، نوآوری

مقدمه

توجه به مفهوم آگاهی و رقابت‌پذیری عامل بقای اقتصادهای روستایی در مقابل موج توسعه اقتصادی برآمده از صنعتی شدن می‌باشد. چرا که بسیاری از صنایع معیشتی خانوارهای روستایی و یا ساکن در مناطق دور از دسترس در اثر عدم رقابت‌پذیری با



صنایع شهری حذف شده؛ بنابراین دفع و رفع اثرات جانبی منفی توسعه اقتصادی بر اقتصاد های محلی (روستایی) با در پیش گرفتن رویکرد های توسعه محلی ضروری است.

توسعه روستایی مستلزم به کارگیری صنایع روستایی متنوع کشاورزی و غیر کشاورزی و استفاده از زمین، مشاغل جدید روستایی و درآمد های سرانه بالاتر است. بر این اساس مشکلات اقتصاد های منطقه ای و از جمله اقتصاد روستایی در قالب سه حقیقت توأم با سه نقص قابل درک است: تحرک ناقص عوامل اقتصادی در عین بهرمندی از مواهب طبیعی، بخش پذیری ناقص عوامل اقتصادی در عین امکان تحقق صرفه های اقتصادی ناشی از تراکم و تحرک ناقص کالا ها و خدمات به دلیل هزینه های جابه جایی و ارتباطات.

یکی از مهم ترین روش ها برای حذف نواقص فوق و دستیابی به توسعه روستایی، استفاده از قابلیت خوشه های کشاورزی است. قابلیت خوشه ها در حذف آثار جانبی منفی ناشی از توسعه اقتصادی بر روستا ها در حین رونق بخشی به کسب و کار های کشاورزی و غیر کشاورزی روستایی جالب توجه است.

یک خوشه از نظر جغرافیایی مجموعه ای از بنگاه های مرتبط با یکدیگر و به هم پیوسته هستند که در زمینه ای خاص با سازمان های مربوطه از قبیل، سازمان های دولتی و موسسات تحقیقاتی و آموزشی ارتباط دارند. از این نظر خوشه ها صرفه های جانبی را افزایش می دهند (نوابی^۱ (۲۰۱۱)). وی خوشه ها را به عنوان میراثی از گذشته و یا یک اقدام داوطلبانه برای ایجاد آینده ای جدید معرفی می کند.

خوشه ها به دور از اینکه جزایر پراکنده نوآوری هستند؛ اما از طریق جنبش مردمی، کالا و دانش به یکدیگر مرتبط شده و هر خوشه ای از نظر مهارت، دانش، فناوری، قابلیت های تولیدی و روابط اقتصادی دارای موقعیت استراتژیک است. نوابی (۲۰۱۱) معتقد است قدرت مشترک خوشه ها، در توانایی آن ها برای تجمیع منابع و دست یابی به بازار ها به گونه ای موثر است. وی در توضیح جایگاه خوشه ها در فرآیند توسعه بر اهمیت نوآوری اشاره می کند. از نظر او نوآوری عامل اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی است. نوآوری به معنای ارائه محصول یا خدمات جدید و تولید با هزینه ای کم تر (تولید کارآمد) است. (۸) بنابراین نوآوری منجر به کسب ستانده یا ثروت بیش تر با استفاده از منابع محدود می شود. اگرچه خوشه ها صرفاً سیستم های نوآوری نیستند و خوشه های نوآورانه لزوماً خوشه هایی با تکنولوژی سطح بالا نمی باشند، اما ممکن است یکی از موثر ترین ابزار ها برای ایجاد نوآوری در محیط پیرامونی باشند. در واقع خوشه ها بر تکنولوژی سطح بالا تمرکز نمی کنند، اما تمایل به بزرگ تر شدن و جذب سهام داران بیش تر (شریک یا عضو) دارند. در نتیجه یک خوشه ممکن است به خودی خود برای پروراندن عادات جدید، تمرین های (فعالیت) آموزشی و نوآوری های مستمر که خوشه ها موجب آن می شود، ایجاد گردد. به طور کلی خوشه ها به عنوان ابزاری برای توانمند سازی بنگاه ها به منظور ارتباط و پیوستن تلاش ها و منابع آن ها با آگاهی از منابع خود و دولت ها برای رقابت در سطح منطقه ای و بین المللی شناخته شده اند. مزیت این روش (خوشه سازی) در نظر گرفتن تخصص های منطقه ای است که بر اساس آن کاربرد های تکنولوژیکی و منطقه ای را به مقدار کافی جذب می کند.

رویکرد خوشه ای می تواند در تناسب با مولفه های مورد تاکید در " چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی" مورد تایید قرار گیرد؛ از جمله: " توجه به مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی" در بند اول سند و " برخورداری از دانش پیشرفته و توانمندی در تولید علم و فناوری و متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی و تولید ملی" در بند دوم سند و " امنیت غذایی، فرصت های برابر، توزیع متناسب درآمد، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهرمنند از محیط زیست مطلوب" در بند سوم سند و " روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی" در بند چهارم سند.

مولفه های مذکور در بند های اول، دوم و چهارم به عنوان ماهیت ساختاری و پیکربندی خوشه ها لحاظ می گردد و مولفه های بند سوم به عنوان برونداد و ستانده خوشه ها به نفع جامعه هدف می باشد.

¹ Nwaobi



در برنامه ۵ ساله پنجم جمهوری اسلامی ایران نیز رویکرد های خوشه ای در فصل ششم (توسعه منطقه ای) ذیل ماده ۱۹۴ توسعه روستایی، بند ب مورد تاکید قرار گرفته است.^۱

سیاست ها برای حمایت از خوشه ها به دو دسته اصلی تقسیم می شود: بهبود پویایی خوشه و بهبود محیط پیرامونی خوشه (به انضمام ارزیابی مکانیسم های حمایت از خوشه ها و ابتکارات). در حقیقت تاکید بر خوشه ها می تواند به دولت های محلی و ملی در فهم و درک بهتر از کار های اقتصادی محلی کمک کند. در واقع با نگاه به اقتصاد از دریچه خوشه های متنوع، دولت های محلی می توانند با دقت بیش تری به شناسایی عیوب بازار، تشخیص ایرادات مجموعه (سیستمیک) و سیاست های بهتر بپردازند. در رابطه با چگونگی شکل گیری خوشه ها و این که خوشه ها چه کار هایی انجام می دهند و چه منافع فراهم می آورند تحقیقات متمرکزی توسط پورتر^۲ و همکاران (۱۹۸۰)، استینل^۳ و همکاران (۲۰۰۱)، بریچی^۴ و همکاران (۲۰۰۱)، مارتین^۵ و همکاران (۲۰۰۳)، ولف^۶ و همکاران (۲۰۰۴) و مارکل^۷ و همکاران (۲۰۰۵) انجام شد که ویکستد در پژوهش های خود به آن اشاره می کند: بسیاری از این تعاریف خوشه سازی در حیطه مفاهیم مکانی، جغرافیایی، شبکه های متراکم و ارتباطات درونی بین شرکت ها و سازمان های حمایتی شکل گرفته اند. عده ای بر تعاملات و وابستگی متقابل در داد و ستد تاکید می کنند. عده ای روابط تولید کننده- کاربر^۸ (مصرف کننده) را مطرح می کنند. وابستگی درونی، ارتباط کاربر- تولید کننده است که اگر چه به عنوان پیش برنده خوشه سازی در نظر گرفته نمی شود؛ با این حال به عنوان یکی از ویژگی های قابل توجه توسعه نوآوری درک شده است. استینل و همکاران (۲۰۰۱) تحقیقات شبه نظری از انواع نظام های تولید ارائه نموده احتمال می دهد خوشه ها بر اساس مولفه های تولیدی آن ها شکل گرفته اند.^۹

تیوس^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۸) رویکرد های خوشه پایه را در شناسایی و کاربرد سیاستی و نهادی به منظور رقابت پذیری و نوآوری مناسب می داند. خوشه ها با قرار گرفتن در دستور کار سازمان های توسعه بین المللی در دهه گذشته دارای اهمیت شدند. مبانی این نظر را می توان در کار اقتصاد دان برجسته آلفرد مارشال^{۱۱} یافت که در اصول اقتصاد^{۱۲} (۱۹۸۰) به توصیف پدیده ای با عنوان " تراکم صنایع تخصصی در نواحی خاص"^{۱۳} پرداخت؛ وی متذکر شد کسب و کار های متراکم در مقیاس کوچک از قابلیت های قابل مقایسه ای با شرکت های بزرگ برخوردار می باشند

پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی توسط دانشمندان به صورت بررسی نظری و بررسی تجربی صورت گرفته است که به طور جداگانه ارائه می شود:
مطالعات نظری:

^۱ حمایت از گسترش کشاورزی صنعتی و صنایع روستایی با اولویت توسعه خوشه ها و زنجیره های صنعتی- کشاورزی کوچک و متوسط که بخش اعظم نهاده ها و عوامل تولید آن در جغرافیای روستایی وجود دارد و همچنین صنایع دستی و خدمات گردشگری و ایجاد بازار های محلی با اولویت مراکز دهستان های دارای قابلیت توسعه

^۲ Porter

^۳ Steinle

^۴ Breschi

^۵ Martin

^۶ Wolf

^۷ Markell

^۸ user

^۹ ... that are likely to cluster based on their product characteristics

^{۱۰} Theus

^{۱۱} Marshal

^{۱۲} Principles of Economics

^{۱۳} The concentration of specialized industries in particular localities



فوتیس^۱ و همکاران (۲۰۰۹) با استناد به پژوهش های پورتنو^۲ و همکاران (Portnov 2001) کاربرد واژه خوشه در زمینه های علمی مختلف توسط دانشمندان را بررسی کرده اند. نیوتون در سال ۱۹۶۲؛ از واژه خوشه برای مجموعه ستارگان و کهکشان استفاده کرد. در دسته بندی داده های آماری روش هایی موسوم به روش های خوشه ای رایج است. مورنو^۳ در سال ۱۹۵۳ گروه های اجتماعی را با خوشه مشخص کرد. وبر^۴ در سال ۱۹۲۹ خوشه های صنعتی را مطرح کرد. در تمامی این زمینه ها واژه خوشه خوشه حامل مفهوم یکسانی است و آن مجموعه ای از موضوعات نزدیک به یکدیگر و یا اشخاص و چیز هایی که با برخی از پیوند های قوی و کاربردی و جذاب با یکدیگر ارتباط دارند.

یک خوشه از نظر جغرافیایی مجموعه ای از بنگاه های مرتبط با یکدیگر و به هم پیوسته هستند که در زمینه ای خاص با سازمان های مربوطه از قبیل ، سازمان های دولتی و موسسات تحقیقاتی و آموزشی ارتباط دارند. از این نظر خوشه ها صرفه های جانبی را افزایش می دهند (نوابی^۵ (۲۰۱۱)). ویکستد^۶ (۲۰۰۶) سابقه توسعه خوشه ها را دو دهه قبل می داند و عنوان می کند با توسعه خوشه ها ثروت اطلاعات و رقابت پذیری مکانی در اقتصاد حاصل می شود. ویکستد با ارجاع به نظرات بینت^۷ و همکاران (۱۹۷۴) به امکان پذیر شدن بررسی ها در سطح اقتصاد جهانی به علت علاقه به نقش شرکت های چند ملیتی در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ اشاره می کند. در رابطه با چگونگی شکل گیری خوشه ها و این که خوشه ها چه کار هایی انجام می دهند و چه منافعی فراهم می آورند تحقیقات متمرکزی توسط پورتر^۸ و همکاران (۱۹۸۰)، استینل^۹ و همکاران (۲۰۰۱)، بریچی^{۱۱} و همکاران (۲۰۰۱)، مارتین^{۱۲} مارتین^{۱۳} و همکاران (۲۰۰۳)، ولف^{۱۳} و همکاران (۲۰۰۴) و مارکل^{۱۴} و همکاران (۲۰۰۵) انجام شد که ویکستد در پژوهش های خود به آن اشاره می کند: بسیاری از این تعاریف خوشه سازی در حیطه مفاهیم مکانی، جغرافیایی، شبکه های متراکم و ارتباطات درونی بین شرکت ها و سازمان های حمایتی شکل گرفته اند. عده ای بر تعاملات و وابستگی متقابل در داد و ستد تاکید می کنند. عده ای روابط تولید کننده- کاربر^{۱۵} (مصرف کننده) را مطرح می کنند. پورتر و همکاران (۱۹۸۰) به زنجیره عرضه اشاره می نماید و تقاضای مصرف کننده (که) برای توسعه خوشه ها مهم است. استینل و همکاران (۲۰۰۱) تحقیقات شبه نظری از انواع نظام های تولید ارائه نموده احتمال می دهد خوشه ها بر اساس مولفه های تولیدی آن ها شکل گرفته اند^{۱۶}. هر چند این دلیل با زیادی نشان نمی دهند که زنجیره های عرضه در تشکیل خوشه ها برجسته هستند. ولف و همکاران (۲۰۰۴) در رد اهمیت ساختار های عرضه (تامین) در شکل گیری خوشه ها استدلال قوی ارائه می کند. با این حال بیش تر مشاهدات دلالت بر عدم شکل گیری خوشه ها به علل تامین کنندگی (عرضه) دارد؛ دانش ضمنی^{۱۷} به عنوان منطبق اولیه خوشه سازی ذکر می شود. بریچی و همکاران (۲۰۰۱) خلاصه ای از این دیدگاه را اشاره می کنند: به نوبه خود اهمیت نزدیکی مکانی هزینه های انتقال دانش را کاهش می دهد که با برخی از خواص اساسی دانش مربوط به فعالیت های نوآورانه شرکت ها، و به خصوص پیچیدگی و طبیعت

¹ Photis

² Portnov

³ Morno

⁴ Weber

⁵

⁶ Nwaobi

⁷ Wixted

⁸ Baenet

⁹ Porter

¹⁰ Steinle

¹¹ Breschi

¹² Martin

¹³ Wolf

¹⁴ Markell

¹⁵ user

¹⁶ ... that are likely to cluster based on their product characteristics

¹⁷ tacit knowledge



ضمنی آن ها است. با توجه به این ویژگی ها دانش می تواند فقط به طور موثر از طریق ارتباط بین شرکت ها و تحرک بین بنگاهی کارگر ها در هر دو مورد نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی است. هر چند بریچی و همکاران (۲۰۰۱) با اهمیت دانش ضمنی موافق نمی باشند. آن ها با اشاره به شواهد بسیاری نشان می دهند خوشه سازی توسط دسترسی بازار کار عمیق^۱ به میزان بیش تری نسبت به به سرریز شدن^۲ (اشباع) دانش محلی تحت تاثیر قرار می گیرد؛ این موضوع توسط ولف و همکاران (۲۰۰۴) تایید می شود. نگرش نگرش تجربی بیان می کند خوشه ها مانند گره هایی هستند که درون سیستم های تولید شکل گرفته و در هر مقطعی وسعت یافته اند.

یکی از ارکان اصلی از وجوه ساختاری^۳ (بودجه ساختاری) سیاست های منطقه ای اتحادیه اروپا در خلال سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ موضوع تخصص های هوشمند است. تخصص های هوشمند حول رویکرد بخشی است و در سال های اخیر در متن سیاست های منطقه ای وارد شده است^۴. بنر (۲۰۱۲) با توجه به پژوهش های رفلد^۵ (۲۰۱۳) و باتل^۶ و همکاران (۲۰۱۲) و گزارش های کمیسیون اتحادیه اروپا ابعاد موضوع تخصص های هوشمند را تشریح می کند: در سیاست های ساختاری اتحادیه اروپا اعمال رویکردی از "از بالا به پایین" یک الزام است. به طور همزمان باید از عوامل منطقه ای، خلاقیت و دانش به صورت جریان پویا از "پایین به بالا" بهره مند شد. دو دانشمند مذکور همچنین مولفه دیگر تخصص های هوشمند را رشد محوری می دانند. همچنین معتقدند برای جبران نقاط ضعف مناطقی که با کسری بودجه ساختاری مواجه اند (ضعف ساختاری دارند) بایستی بر نقاط قوت تاکید گردد. پیسانی^۷ (۲۰۱۰) گزار از رویکرد های بخشی به رویکرد های سرزمینی (کلی تر) را باعث شناخت مناطق همگن برای برای ارائه و پیشنهاد راهبرد های توسعه روستایی می داند. این رویکرد می تواند فرصتی برای ادغام اقتصاد کشاورزی با یک اقتصاد روستایی پویا تر باشد؛ به گونه ای که تولید، اشتغال و درآمد را در مناطق روستایی افزایش دهد.

از نظر نوآبی (۲۰۱۱) کشاورزی در تمامی ملت ها واژه و معنای شناخته شده است^۸. بنابراین محصولات با استفاده از روش های پویا و غیر قابل پیش بینی در حال تحول همچنان افزایش می یابد. برای آینده قابل پیش بینی است که راهبرد رشد برای اقتصاد مبتنی بر کشاورزی باید بر بهبود (روش ها و کیفیت) تمرکز داشته باشد. حتی در جایی که توسعه صنایع و صنایع خدماتی در سطح جهانی بعید به نظر می رسد. با این وجود برخی از کشور ها برنامه هایی برای تقویت پایه های فن آوری ظرفیت سازی تا ۶۰ برابر برای بهبود کشاورزی معیشتی روستایی آغاز کرده اند.

از طرفی توسعه کشاورزی نیازمند نوآوری است و اولین نوآوری در فناوری های اصلی (در تاریخ جهان) احتمالاً در حدود ۹۰۰ سال قبل از میلاد در توسعه کشاورزی وقوع یافت. واضح است ترویج نوآوری در کشاورزی نیاز به هماهنگی حمایتی برای تحقیقات کشاورزی، گسترش و آموزش و ترویج دارد. با این حال برای سیاست گذاران مشکل است که بتوانند به آسانی یک خوشه موفق ایجاد کنند؛ لکن با شناخت یکباره (اولیه)، خوشه ها می توانند از طریق مداخله های سیاسی پروراند شوند. سیاست ها برای حمایت از خوشه ها به دو دسته اصلی تقسیم می شود: بهبود پویایی خوشه و بهبود محیط پیرامونی خوشه (به انضمام ارزیابی مکانیسم های حمایت از خوشه ها و ابتکارات). در حقیقت تاکید بر خوشه ها می تواند به دولت های محلی و ملی در فهم و درک بهتر از کار های اقتصادی محلی کمک کند. در واقع با نگاه به اقتصاد از دریچه خوشه های متنوع، دولت های محلی می توانند با دقت بیش تری به شناسایی عیوب بازار، تشخیص ایرادات مجموعه (سیستمیک) و سیاست های بهتر بپردازند.

¹ deep labour market

² spillover

³ structural funds

⁴ McCnn and Ortega- Argiles 2011

⁵ Rehfeld

⁶ Bathel

⁷ Pisani

⁸ Indeed, agriculture has a powerful and pervasive place in nearly nation of the word





مطالعات تجربی:

عنوان	محقق / نویسنده	روش	موضوع	نتیجه
نقش سرمایه اجتماعی و انسانی بر توسعه خوشه های مبلمان چوبی در سریلانکا	پادماسیری ^۱ (۲۰۱۲)	رگرسیون مقطعی و داده های سری زمانی	چگونگی کمک سرمایه انسانی و اجتماعی در توسعه شرکت های خوشه ای و غیر خوشه ای در صنعت مبلمان چوبی ۹۶ بنگاه مرتبط با صنایع چوب (سریلانکا)	- نقش مهم کارآفرینان با تجربه و تحصیلکرده برای تامین امنیت تولید و برند خود در بازار - تاثیر معنی دار شدیدی سرمایه انسانی کسب شده از طریق آموزش رسمی و تجربیات بر عملکرد بنگاه های خوشه ای در مقایسه با بنگاه های غیر خوشه ای - تکیه عملکرد بنگاه های مبلمان چوبی در سری لانکا بر سرمایه اجتماعی صرف نظر از وضعیت خوشه ای و یا غیر خوشه ای
کار آفرینی و توسعه: نقش خوشه ها	روچا ^۲ (۲۰۰۴)	اقتصاد سنجی	بررسی سه اثر متفاوت کارآفرینی از جمله اثر کارآفرینی بر توسعه، اثر خوشه ها بر توسعه و اثر خوشه ها بر کارآفرینی	- ارتباط مثبت کارآفرینی بر رشد اقتصادی - اما دست یابی به تاثیر خوشه بر توسعه و کارآفرینی به علت محدودیت های مفهومی و روش شناسی مشکل است.
راهبرد های اقتصادی خوشه پایه، سیاست های تسهیلاتی و فرآیند های بازار	دیسروچرز ^۳ (۲۰۰۴)	مطالعه مروری	بررسی سیاست های متعددی برای رشد منطقه ای بر پایه مفاهیم و اصول (گوناگون)	مناطق همراه با خوشه ها با اطمینان بیش تری دوران رکود اقتصادی را پشت سر بگذارند؛ چرا که دوران رکود مانع از ارتباط بین صنایع شده و بنابراین رکود مانع از ایجاد ایده ها و کسب و کار جدید می شود.
شرکت های با اندازه متوسط و کوچک در کسب و کار روستایی:	استینفلد ^۱ و همکاران (۲۰۱۲)	اقتصاد سنجی	بررسی ارتباط بین کاربرد ICT، منافع شرکت هایی که به خوشه های کسب و کار روستایی می پیوندند و موفقیت های	رابطه قوی بین: - ایجاد ICT و منافع حاصل از پیوستن به خوشه ها

¹ Padmasiri
² Rocha
³ Desrochers



ارتباط میان ایجاد ICT و منافع ناشی از پیوستن به خوشه			شرکت های روستایی برای ۳۳۳ کسب و کار روستایی (میشیگان)	- ایجاد ICT و موفقیت کسب و کار های خود گردان - منافع ناشی از موفقیت خوشه ها و موفقیت کسب و کار
نوآوری برای توسعه پایدار در معدن آرتیسانال ^۲ : پیشرفت هایی در خوشه استخراج از معادن اوپال در برزیل	میلانز ^۱ و همکاران (۲۰۱۳)	مطالعه میدانی	بررسی چگونگی نقش ترویج خوشه های عوامل اقتصادی کوچک در بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در بخش معدن و فعالیت های مرتبط با آن	برنامه ریزی برای ایجاد خوشه های پایدارتر برای توجه به مسائل اجتماعی و زیست محیطی در کنار فعالیت های اقتصادی
سیاست های توسعه صنعتی و عملکرد آن در جنوب چین	باربیری ^۴ و همکاران (۲۰۱۲)	تحلیل های آماری	بررسی خوشه های صنعتی در قالب شهرک های صنعتی واقع در جنوب چین	افزایش تخصص، تولیدات صنعتی، نوآوری و رشد اقتصادی با برنامه های توسعه صنعتی مبتنی بر خوشه ها که تراکم مکانی و شفافیت را افزایش می دهد
معدن سنگ های قیمتی به عنوان خوشه توسعه: مطالعه معادن زمرد در برزیل	اولیوریا ^۵ و همکاران (۲۰۱۱)	تحلیل های آماری	تاکید بر شرایط سخت کار در معادن و عدم تامین منافع ناشی از خطرات کار برای کارگران معدن زمرد و اثرات آن بر توسعه محلی با استفاده از مفهوم خوشه ها	توانایی خوشه ها در بهرمندی از مزایای مقیاس و بهره وری جمعی توام با رفع موانع اجتماعی با استفاده از سه چارچوب به روز رسانی از طریق بازار، از طریق مسائل اخلاقی و از طریق مقررات
توسعه صنعتی خوشه پایه در تاریخ اقتصاد کشور های معاصر و تاریخ اقتصادی ژاپن مدرن	هاشینو ^۷ و همکاران (۲۰۱۳)	مدل سونوب- اُتسوکا ^۶	برای توضیح روند طولانی مدت از توسعه خوشه پایه در کشور های در حال توسعه	- حمایت دولت های محلی برای توسعه خوشه ها در صورت بالا بودن هزینه های کار جمعی - شکست خوشه ها در کشور های در حال توسعه به دلیل عدم وجود اتحادیه های صنفی فعال و عدم حمایت دولت های محلی

¹ Steinfield

² Milanez

³ artisanal

⁴ Barbieri

⁵ Oliveira

⁶ Sonob- Otsuka

⁷ Hashino



واکاوی مفهوم خوشه‌ها

یکی از ویژگی های قابل توجه اقتصاد منطقه ای به خصوص در اقتصاد های پیشرفته وجود خوشه ها است. خوشه ها گروه های متراکم جغرافیایی از شرکت هایی با ارتباطات درونی بوده و نهاد هایی هستند که در زمینه ای خاص با یکدیگر ارتباط دارند از قبیل ... خوشه ها اغلب درون نواحی جغرافیایی که سهولت ارتباطات، تدارکات و پشتیبانی، امکان پذیری تعاملات شخصی و گاهی اوقات به تنهایی در یک شهرک می تواند موجود باشد. مفهوم خوشه ها دارای سابقه طولانی است؛ اما خوشه ها از سال ۱۹۹۰ تبدیل به یک مفهوم برجسته در ادبیات توسعه اقتصادی شدند. از سال ۲۰۰۳ هزاران طرح خوشه ای در سطوح ملی، ایالتی و محلی در کشور های متعدد وجود داشت.

نایلوپرز سه دسته بندی متفاوت از خوشه ها ارائه می کند: مگا خوشه ها (خوشه های بزرگ و فراگیر)، خوشه شبکه محلی و خوشه های دانش بنیان. تاکید مگا خوشه ها بر رقابت پذیری درون بخش های اقتصادی یک کشور است. انواع سیاست ها در سطح خرد و کلان برای این دسته از خوشه ها مورد نیاز است و وجود مجموعه ای از بنگاه ها در زنجیره ارزش موجب رقابتی شدن بنگاه ها شده؛ به این ترتیب بازار کار و صنایع از مزایای مشارکت در زمینه های گوناگون (اطلاعات، تخصص ها، مهارت ها و ...) بهره مند می شود. شبکه خوشه های محلی در قلمرو یک منطقه با ظرفیت های خاص قابل تعریف است. این خوشه ها عمدتاً شامل بنگاه های کوچک و متوسط بوده و بهرمندی از سرمایه های اجتماعی و تراکم (نزدیکی) جغرافیایی باعث انسجام و توفیق خوشه های محلی است. نمونه قابل ارجاع این نوع از خوشه ها در مناطق صنعتی ایتالیا است. تیمیلیا- رومانگنا یکی از مناطق ایتالیا است که فرآیند توسعه را بر اساس بنگاه های کوچک و متوسط و خوشه ها به سرعت تجربه کرده است. اعمال سیاست ها در سطح خرد برای موفقیت این دسته از خوشه ها نیاز است. هدف و موضوع خوشه. نایلوپرز استدلال می کند که سیاست های خوشه ای بایستی به عنوان وسیله ای برای رسیدن به اهداف باشد و نه اینکه خود آن ها هدف باشد و این یعنی ارزیابی موفق نقشی کاملاً حیاتی دارد. دانش بنیان بر نوآوری و توسعه است. این در حالی است که جریان دانش تا حد زیادی به ارتباط و اتصال بنگاه ها با مراکز تحقیقاتی البته با روشی کارآمد بستگی دارد و بنگاه ها را در قالب تخصص ها در چارچوب قوانین و نهادها پیش می برد. به طور خلاصه گروه های سه گانه خوشه ها ویژگی انحصاری متفاوتی دارند: برای مگا خوشه ها رقابت پذیری، برای شبکه خوشه های محلی تراکم و برای خوشه های دانش بنیان نوآوری از ویژگی های بارز است. با توجه به این نوع از دیدگاه نایلوپرز در فهم خوشه ها موضوع ارزیابی خوشه ها نیز از نظر نایلوپرز پیگیری می شود. نایلوپرز بر تمایز بین خوشه ها و طرح های خوشه ای تاکید می کند؛ چرا که طرح خوشه ای برای ارزیابی مهم می باشد و اینکه آیا سیاست ها تاثیر داشته اند یا خیر؟! ولی خوشه به هر طریقی می تواند توسعه داده شود. هرچند ون درلیند با این نظر مخالف است و بیان می کند طرح خوشه ای و خوشه ها باید همراه با یکدیگر ارزیابی شوند. ارزیابی خوشه ها از چگونگی کارکرد سیاست ها و استفاده از روش های متعدد در راستای فعال سازی راهبردهای توسعه اطلاعات قابل توجهی ارائه می دهد.

مجموعه های صنعتی مختلفی با توجه به تخصص های تولیدی به عنوان خوشه معرفی شدند. اما خوشه تعریف خاص خود را دارد و بسیاری از این مصادیق از حیث مقیاس و تشابه فاقد تعریف خوشه ای بودن هستند. خوشه ها مبتنی بر دو گونه سیاست مجزا می باشند: اول؛ مجموعه ای از سیاست ها که همکاری بین بنگاه ها را ترویج می کند. دوم؛ مجموعه ای از سیاست ها برای حمایت از صنایع خوشه ای. با گذشت زمان این دو نوع سیاست به یک راهبرد جامع و واحد تغییر وضعیت داد؛ شبکه ها به شکل خوشه ها تبدیل شدند که نشان می دهد خوشه ها بیش تر راهبردهایی با گرایش های شبکه سازی و موجب بهبود ارتباطات در خوشه می شود. در سال ۱۹۸۸ دو محقق به نام های فیل کوک و کوین مورگان^۱ چارچوبی را برای رفتار انجمنی (مشارکتی) گسترش دادند و متوجه شدند که فعالیت های اقتصادی به طور فزاینده ای بر پایه مفاهیم یادگیری جمعی است و رقابت به طور قطع بر اساس همکاری و نوآوری تعاملی شکل می گیرد. در سال ۱۹۹۸ در بارسلونا اسپانیا سازمانی برای بهبود خوشه ها تشکیل شد که بر پایه های

¹ Phil Cooke and Kevin Morgan



اصلی بنای خوشه‌ها و طرح‌های خوشه‌ای تاکید داشت (حفظ و ایجاد ثروت محلی، فرصت‌ها، و پایداری از طریق خوشه‌های روستایی: استوارت روزن‌فیلد (۲۰۰۹) در استفاده از اصطلاح خوشه عقیده دارد اصطلاح خوشه در ابتدا برای گروهی از بنگاه‌ها که از لحاظ مقیاس نسبی و یا ظرفیت‌های مقیاس در یک منطقه (ناحیه) جغرافیایی دارای مزیت هستند به کار برده شد. مشکل تعریف خوشه‌ها در مناطق کم جمعیت و عدم مزیت‌های آن سوالات و ابهامات زیادی در ذهن تداعی می‌کند. این موضوع به توانایی و ویژگی‌هایی که به طور معمول در تعریف خوشه‌ها و تراکم شرکت‌ها و وابستگی‌های متقابل بین آن‌ها بستگی دارد. اورجان سولور، گوران لیندکویست، کریستین کتل (۲۰۰۳) هدف سیاست‌های خوشه‌ای را بهبود رشد خوشه‌ها و رقابت‌پذیری بنگاه‌ها عنوان می‌کنند. آن‌ها با اشاره به ساختار خوشه‌ها اجزای تشکیل دهنده خوشه را تنها شرکت و بنگاه‌ها نمی‌دانند؛ بلکه خوشه‌ها شامل بنگاه‌ها، نهادهای دولتی، نهادهای مالی، انجمن‌های علمی و هسته‌های تطبیق دهنده هم می‌شود. از دیدگاه آن‌ها ساختار خوشه‌ها در تعیین انزوا و یا پویایی خوشه‌ها موثر است؛ خوشه‌های منزوی با ضعف‌هایی از جمله ناتوانی در رقابت، عدم وجود تامین‌کنندگان محلی، کمبود سرمایه‌های انسانی پایه، ضعف اعتماد و شبکه‌ها و نهادهای حمایت‌کننده اندک مواجه‌اند. بالعکس خوشه‌های پویا قابلیت رقابت‌پذیری بالایی داشته و از قدرت تامین‌کنندگان محلی به صورت تخصصی استفاده می‌کنند؛ همچنین آموزش پیشرفته و زیرساخت‌های علمی، توسعه سرمایه‌های اجتماعی خیلی پیشرفته و نهادهای پیشرفته بومی‌سازی طرح‌های خوشه‌ای برخوردارند.

خوشه‌ها و نوآوری

پیشرفت‌ها در فرآیندهای فناورانه قابل پذیرش است؛ اما نوآوری‌هایی که نیازمند تجربه هستند و برون‌سپاری فعالیت‌ها در برخی از مناطق با مقاومت‌هایی مواجه است. در رابطه با مقوله نوآوری سیاست‌های خوشه‌ای نایلوپرز بر تفاوت بین دو مفهوم از سیاست یعنی سیاست چه می‌کند و سیاست چه می‌گوید تاکید دارد. از نظر نایلوپرز سیاست به معنای ارائه راه حل با مفهوم خاص است و نه ارائه بهترین روش. بنابراین سیاست‌ها باید برای رسیدگی به نارسایی نظام‌های خاص تنظیم شود و باید برای استقرار خوشه‌های دیگر تغییرات لازم در پیش گرفته شود. نایلوپرز تاکید می‌کند که حرکت به سوی ماهیت واقعی سیاست‌های خوشه‌ای به این معنی است که سیاست خوشه‌ای تلاشی برای بهبود ابزار اجرا یا اعمال سیاست می‌باشد و نه یک عرصه سیاستی جدید. سیاست خوشه‌ای شامل ترکیبی از ابزارهای برآمده از فن‌آوری، صنعتی و یا مجموعه‌ای از ابزارهای سیاست منطقه‌ای است. خوشه‌ها به شکل‌های مختلف بر وضعیت توسعه منطقه ای و توسعه خودشان تاثیر گذار هستند. خوشه‌ها به خوبی توسعه یافته‌اند؛ با این حال به طور معمول در برگیرنده تولید نهایی یا شرکت‌های خدماتی اند. در حیطه محلی تامین‌کنندگان (عرضه کنندگان) (به عنوان مثال بنگاه‌های محلی و یا شرکت‌های تابعه که در جاهای دیگر مستقر شده‌اند) نهادهای تخصصی، قطعات، ماشین‌آلات، خدمات تخصصی و از طرفی نهاد‌های مالی با محصولاتی متناسب با خوشه‌ها و بنگاه‌های مرتبط با صنایع مربوطه می‌باشند. خوشه‌ها نیز اغلب شامل بنگاه‌های یا صنایع پایین دستی؛ تولید محصولات مکمل؛ فراهم آوردن زیرساخت‌های تخصصی؛ بخش‌های دولتی و سازمان‌ها و دانشگاه‌ها و انواع دیگر موسسات آموزش‌های تخصصی، آموزش و پرورش، اطلاعات، تحقیقات، پشتیبانی فنی و سازمان‌های تنظیمات استاندارد. در نهایت بسیاری از خوشه‌ها شامل اتحادیه‌های صنفی و دیگر نهاد‌های جمعی بخشی خصوصی که اعضای خوشه‌ها را پشتیبانی می‌کنند. شکل بالا یک تصویر از یک خوشه را ارائه می‌دهد. خوشه‌ها رقابت‌پذیری را از سه طریق افزایش می‌دهند؛ اول: خوشه‌ها رقابت‌پذیری را بهبود می‌دهند زیرا بنگاه‌ها آمادگی خواهند داشت، دسترسی کارا به تامین‌کنندگان تخصصی، مهارت‌ها، اطلاعات، آموزش و فنون خواهند داشت که خواستار محیط رقابتی هستند. (در ضمن) هزینه‌های معامله کاهش می‌یابد. بازار گسترده، فنی و اطلاعات تخصصی دیگر و دانش انبوه (نیز) شکل می‌گیرد. نهادهای تخصصی به سادگی سرهم بندی می‌شوند. روابط به آسانی در میان هر کدام از اجزای شرکت‌کننده در خوشه‌های جعلی شکل می‌گیرد. بنگاه‌ها می‌توانند به افراد آموزش دیده و فن‌آوری‌های تخصصی که در محیط اطراف وجود دارد با هزینه‌ای بسیار پایین دسترسی داشته باشند. وجود طیف گسترده‌ای از دانش‌ها، نهادهای ماشین‌آلات و خدمات باعث می‌



شود تجربه ها آسان تر به دست آید و کارایی بهبود خواهد یافت و انعطاف پذیری بیش تری نسبت به ادغام طولی و یا رابط تامین کنندگان ایجاد خواهد شد.

خوشه ها پرورش دهنده نوآوری هستند از طریق افزایش توانایی شرکت ها نسبت به درک فرصت برای محصولات جدید، فرآیند های جدید و رفع نیاز های جدید به دلیل تراکم زیاد اشخاص در این عرصه. وجود طیف گسترده ای از تامین کنندگان محلی و موسسات تحقیقاتی نیز تولید دانش تشویق می شود و باعث می شود تجربه ها به آسانی شکل گیرد.

توسعه یک خوشه یک فرآیند طولانی است که ممکن است بیش از یک دهه یا بیش تر باشد. با توجه به تعداد قابل توجهی از خوشه های موجود اصل و ریشه خوشه ها به دهه های گذشته بر می گردد که موجب می شود فضای کسب و کار در حالت رو به رشد باشد. یکی از انگیزه های برجسته برای شکل گیری شرکت های اولیه دسترسی محلی به قطب ها و عوامل نهاده ای از قبیل مهارت های تخصصی، کارشناسان تحقیقاتی دانشگاه ها، موقعیت فیزیکی کارآ یا (به عبارت بهتر) زیرساخت های مناسب و خوب است. خوشه ها نیز ممکن است از تقاضای محلی غیر معمول، پیچیده و یا دقیق به وجود آیند. وجود صنایع قبلی از صنایع تامین کننده، صنایع مرتبط و یا کل خوشه های مرتبط نیز هسته (دانه) دیگر برای خوشه های جدید را فراهم می آورند. رویداد های فرصتی برای تولد یک خوشه مهم است. تشکیل اولیه شرکت ها در یک موقعیت استقرار اغلب فعالیت های کارآفرینی را منعکس می کند. بعضی شرکت ها به عبارت دیگر می توانستند در هر یک از مکان های قابل مقایسه جوانه بزنند و رشد کند. با این حال نقش فرصت (شانس) اغلب کم تر از آن به نظر می رسد. آن چه به نظر می رسد این است که فرصت ها ممکن است به همان اندازه نتیجه موجود شرایط محلی باشد. همچنین وجود یک محیط کسب و کار مطلوب اجازه می دهد تا یک کارآفرین در یک محل به رونق دست یابد در حالی که تلاش دیگری در حال انجام است. توسعه خوشه تا حدی روند تکاملی طبیعی دارد که توسط نیرو های بازار ایجاد می شود. با این حال شواهد روزافزونی در دست است که آگاهی عمومی و خصوصی، تصمیم گیری سیاستی و سرمایه گذاری آگاهانه می تواند نقش مهمی در این فرآیند بازی کند.

طرح های خوشه ای: تجربه ای آزمودنی

کلس وَن در لیندز از موسسه راهبرد و رقابت پذیری هاروارد به ارائه چهار روش ارزیابی خوشه ها مبادرت کرده است. این روش ها عبارت اند از ارزیابی های مبتنی بر جمع آوری داده، طرح های مورد استفاده در نقشه پردازی خوشه ها، استفاده از مجموعه داده های عمومی و اختصاصی. روش اول مبتنی بر ارزیابی داده ها است. به این ترتیب که برای شناخت مناطق دارای خوشه ها و یا مناطقی که خوشه ها در حال شکل گیری هستند از اطلاعات کمی مختلف از جمله تعداد موسسات و بنگاه ها، سطح متوسط حقوق و دستمزد، بهره وری، صادرات و واردات و اختراعات ثبت شده استفاده می شود. با استفاده از این روش ضمن آن که امکان شناخت خوشه ها فراهم می گردد؛ می توان تصویر انتزاعی از محل واقع شدن خوشه و اندازه گیری تاثیر خوشه بر اقتصاد منطقه به دست آورد. روش دوم انجام اقدامات فرا مطالعه ای برای درک رقابت پذیری خوشه ها و کشف دلایل ایجاد آن ها است. باید توجه داشت بخشی از این پیشینه ارزیابی های مورد استفاده در قالب فرا مطالعات خوشه ای تقریباً یک سوم مطالعات منتشر شده و غیر آن را به خود اختصاص داده است. سومین روش ارزیابی های مبتنی بر نظرسنجی به عنوان ارائه گزارش رقابت پذیری خوشه ها مورد استفاده قرار گرفته است. این نظرسنجی ها در بر گیرنده بسیاری از دست اندرکاران (متخصصان) مشارکت کننده در امور خوشه ها است و اطلاعات کمی و کیفی جمع آوری می شود. هدف از این روش ارزیابی نمایش رقابت در خوشه های مورد مطالعه از طریق تاکید بر نقاط ضعف و قوت خوشه ها و روند تغییرات می باشد. این نتایج می تواند بین خوشه ها و مناطق مقایسه شود. ون در لیندز مقدمه اش را با خلاصه کردن هر دو منافع و هشدار های ارزیابی خوشه نتیجه گیری کرد. منافع به طور مثال فهم بهتر ساختار خوشه، شناسایی نواحی در خوشه که نیاز به توسعه و گسترش دارد، و مجموعه ای از اهداف قابل انجام و قابل اندازه گیری برای طرح های خوشه ای است. با این حال طبق گفته آقای ون در لیندز مهم است که چند هشدار را در ذهن داشته باشیم از قبیل تعاریف نامناسب خوشه، اتکا بیش از حد به داده های کمی و کیفی، داده های ناقص و داده هایی که به روز رسانی نشده و حتی داده هایی



که می تواند اشتباه باشد. (توماس آندرسون، ۲۰۰۴). نایلوپرز به دو چالش مهم برای ارزیابی خوشه‌ها اشاره می‌کند: اول؛ تمرکز ارزیابی بر فرآیند خوشه‌بندی و افق آتی خوشه به جای در نظر داشتن اقدامات در زمان و مکان مشخص؛ اقدامات ممکن شامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، جابه‌جایی بنگاه‌ها همراه با تحرک مردمی، رشد اشتغال و نقش عاملان و وایع اصلی می باشد. دوم؛ ضرورت تمرکز ارزیابی‌ها بر جریان غیر مادی به جای جریان مادی و فیزیکی؛ این مورد می تواند از طریق نوآوری، مجوز فن‌آوری، ثبت اختراعات و یا با نظر به مهارت‌های مدیریتی و کارآفرینی نگریسته شود. اندازه‌گیری‌های غیر مادی در خلال نقشه‌پردازی و یا ارزیابی مبتنی بر داده‌ها مشکل است. اما می‌توان به گونه‌ای پرسشنامه‌ها را طراحی کرد که در مورد جریان غیر مادی نتایج جالب به‌دست آید.

کلیر نایلوپرز^۱ از موسسه تحقیقات اقتصادی پیرامون تکنولوژی و نوآوری، ارزیابی خوشه‌ها را از دیدگاه سیاستی مورد بحث قرار می‌دهد. نایلوپرز تاکید دارد که رویکردهای ارزیابی و روش‌ها نیازمند در نظر گرفتن نوع خوشه مورد بررسی و هدف مشخص مختص به سیاست خوشه‌ای است. او ضمن ارائه خلاصه‌ای از وضعیت فعالیت اتحادیه اروپا به بررسی توسعه در این زمینه در اروپا می‌پردازد. نایلوپرز استدلال می‌کند که سیاست‌های خوشه‌ای بایستی به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف باشد و نه اینکه خود آن‌ها هدف باشد و این یعنی ارزیابی موفق نقشی کاملا حیاتی دارد.

نایلوپرز به ذوق و قریحه محقق در ارزیابی (سیاست) خوشه‌ای بها می‌دهد. نایلوپرز هشدار داده که ارزیابی خوشه‌ها در مراحل ابتدایی آن نمی‌تواند بیان‌گر منافع خوشه‌ها برای مخاطبان باشد؛ بنابراین ارزیابی سیاست باید به طور مداوم و بدون شتاب‌زدگی با استفاده از فنون تجربی در قالب روش نظام‌مند باشد. همچنین در ارزیابی‌ها اصولا رقابت به عنوان نیروی محرکه اصلی نادیده گرفته شده و تاکید اصلی بر همکاری (تعاون) و زنجیره عرضه منحرف می‌شود. از بعد دیگر تاکید صرف بر روش‌های تجربی که فقط تقسیم‌بندی‌های محلی را در نظر دارد برای پوشش همه ابعاد خوشه کافی نیست. هر نوع وابستگی درونی ناشی از نوآوری، سرمایه اجتماعی و استعداد به منظور درک نظام خوشه‌ای مهم است. با استفاده از جداول داده- ستانده امکان تحلیل و ارزیابی فراهم می‌شود. در عین حال باید توجه شود حدود سیاستی به ندرت از محدودیت‌های بنگاه‌ها تبعیت می‌کند. محدوده فعالیت خوشه‌ها ثابت نبوده و پویا است و بایستس اتصالات درونی و بیرونی خوشه‌ها در نظر گرفته شود؛ این اتصالات در موفقیت خوشه‌ها نقش محوری دارد. رویکرد دیگری که باید در نظر گرفت بیان شفاف اهداف و پرهیز از انتظارات از قبل تعیین شده است؛ به بیان دیگر به جای آن‌که از قبل منافی را متصور کرد و در جست‌وجوی آن خوشه طراحی گردد ابتدا اهداف از ایجاد خوشه‌ها بیان شود تا بتوان سیاست‌ها و اقدامات را با موفقیت اجرا نمود.

پیام نهایی نایلوپرز (۲۰۰۷) به سیاست‌گذاران خوشه‌ها و مخاطبان بر ضرورت اجرای ارزیابی به منظور آشکارسازی آثار سیاست‌های نشأت گرفته از خوشه‌های کارآمد است. درک نادرست نسبت به فناوری‌های سطح بالا در خوشه‌ها از نظر نایلوپرز یک آسیب است؛ به این معنی که سیاست‌گذاران تمایل به تمردهی سریع خوشه‌ها دارند. ولی استقرار یک خوشه و تکامل آن شاید ده‌ها سال بطول انجامد و بیش‌تر سیاست‌های موثر بر تکامل خوشه‌ها لزوما سیاست‌های خوشه‌ای نمی‌باشند.

نقش خوشه‌های روستایی در پویایی اقتصاد روستایی

استوارت روزن‌فیلد پیشنهاد می‌کند برای درک بهتر خوشه‌های روستایی برخی از تعاریف بر اساس مولفه‌های روستا شرح داده شود: در اروپا روستا اغلب به مناطق کم‌جمعیت اطلاق می‌شود و همراه با فعالیت کشاورزی است. جامعه شناسان حوزه روستا و جغرافی‌دانان دهه‌ها است که برای دستیابی به تعریفی از روستا و تمایز بین شهر و روستا حتی تمایز میان انواع مناطق روستایی بحث و مجادله دارند. اگرچه این اختلاف نظرها عمدتا مربوط به تصور ذهنی است؛ اما بر طراحی، تعاریف و نتایج تصمیم‌ها اثرات مهمی دارد. بعضی محققان تعاریف خود را بر اساس سطوح جمعیت شهری و یا فاصله از نزدیک‌ترین مرکز شهری تنظیم کرده‌اند.

^۱ Claire Nauweleers



در سال ۱۹۷۵ کالوین بیل در وزارت کشاورزی امریکا مقیاسی با نه بخش مختلف را ملاک قرار دارد که شش مورد برای غیر کلان شهرها بود و بر اساس جمعیت تفکیک می شد که در مجاورت آن شهرستان ها و شهرهای بزرگ تر وجود داشت. در جغرافیا خوشه ها با فاصله و زمانی که افراد تمایل به سفر برای حضور در محل اشتغال و برقراری ارتباط با شرکت ها دارند تعریف می شود. موقعیت جغرافیایی با مولفه هایی از قبیل شرایط مسافرت، مشخصه های فرهنگی و عملکرد شخصی همراه است (استوارت روزن، ۲۰۰۹).

مناطق روستایی رفتاری متفاوت با دیگر مناطق دارد (به همین دلیل بایستی متفاوت با دیگر مناطق نگریسته شود). این فرض ضمنی این امکان را به نهاد ها و سیاست ها می دهد که مناطق روستایی متفاوت و متمایز با دیگر بخش های یک شهرستان در نظر بگیرند. واضح است که مناطق روستایی در یک ویژگی مشترک هستند و آن تراکم کم تر جمعیت است که آن را از مناطق شهری متمایز می کند. اهمیت تراکم جمعیت به این دلیل است که کم بودن جمعیت ظرفیت هایی بالقوه ای برای شرکت ها و دیگر نهاد ها دارد که به آن آثار جانبی مثبت می گویند؛ در حالی که هزینه های زیرساخت های فیزیکی و خدمات نهادی افزایش می یابد. در حالی که بایستی با پیامد های تراکم کم دست و پنجه نرم کرد و نواحی فکری به حال نواحی روستایی کرد. با این حال به این معنی نیست که نیازمند رویکرد توسعه اقتصادی اساسا متفاوتی می باشیم. به عنوان مثال طبق بررسی که در سال ۱۹۶۶ توسط وزارت کشاورزی ایالات متحده انجام گرفت و اولویت های تجار در مناطق روستایی و شهری از دیدگاه دولت مقایسه شده اند. معلوم شده است که الویت ها در شهر ها و روستاها تقریبا یکسان هستند. مناطق روستایی نیز می توانند با همان راهبری های رقابت پذیری دیگر مناطق اداره شوند.

اما شکست سیاست های جاری برای مناطق روستایی هزینه های زیادی را به بار آورده است. با وجود نیازهای شدیدی که بخش های مختلف به بودجه های دولتی دارند تا از آن برای انجام تولید استفاده کنند به سختی می توان از اولویت های اجرایی در روستاها دفاع کرد. روستاهای آمریکا در حدود ۸۰ درصد اراضی و ۲۰ درصد جمعیت را در بر می گیرد. عملکرد ضعیف در مناطق روستایی موجب عقب ماندگی بهره وری ملی و رفاه ملی شده و باعث می شود تا نتوان به طور موثر از منابع کشور استفاده شود. همان طور که در امریکا رشد نیروی کار به کندی پیش می رود و باعث می شود کارایی در تمام بخش های اقتصاد یک اولویت به شمار رود. مورد بعدی عدم توانایی مناطق روستایی برای شکوفایی ظرفیت های بالقوه منجر به ایجاد فضایی ناکارآمد از توزیع منابع و فعالیت های اقتصادی می شود. فعالیت هایی که اگر در نواحی روستایی با بهره وری خوب عملکرد داشته باشند در کاهش مهاجرت به شهر ها و جلوگیری از ادغام جمعیت شهری موثر خواهد بود. عملکرد ضعیف روستاها موجب تداخل تقاضا شده و انگیزه را برای فعالیت های اقتصادی کاراً کاهش می دهد. عدم وجود رقابت پذیری در نواحی روستایی یکی از علل اصلی یارانه (حمایت) کشاورزی است تا به این طریق مانع واردات شود و این خود باعث می شود ایالات متحده در نظام تجارت بین المللی فرصت پرداختن به چالش های اصلی مناطق روستایی را نداشته باشد و صدمه ببیند.

خوشه ها یا به تعبیر دیگری تراکم جغرافیایی گروهی از شرکت ها، تامین کنندگان (عرضه کنندگان)، سازمان های آموزشی، و دیگر نهاد هایی که در یک زمینه خاصی فعالیت می کنند در ادبیات توسعه اقتصادی جلب نظر کرده اند و اخیرا در دستور کار در مناطق روستایی قرار گرفته اند.

اجماع کلی در ادبیات پژوهشی وجود دارد که فضای کسب و کار در نواحی روستایی نسبت به مناطق متروپولیتین ها ضعیف تر می باشد. تراکم کم تر جمعیت و فعالیت های اقتصادی موجب افزایش هزینه های زیرساخت های فیزیکی شده و شرایط برای موسسات آموزشی که به طور تخصصی کار می کنند سخت تر شده؛ و این در حالی است که پشتیبانی تعداد اندکی از رقبای محلی موانعی برای دست یابی به یک توده (تراکم) در ارتباط با حمایت از صنایع ایجاد می کند. عملکرد ضعیف تر مناطق روستایی منجر به مداخلات بیش تر دولت در سطح بالا تر شده و این مداخلات در قالب یارانه ها، منع واردات صنایع در مناطق روستایی و پرداخت های انتقالی به صورت فردی می شود.



سیاست‌های خوشه‌ای حائز زمینه‌هایی از قبیل پویایی و تحرک و امید به فعالیت اقتصادی، نظام اداری بانگیزه، فراهم آوردن فرصت‌های آموزشی، فراهم آوردن امکان ارتباط فعالین، اجرای فعالیت‌های اجتماعی و ... در محیط اقتصادی و فرهنگی روستا خواهد بود؛ به طوری که شبکه مشخصی از روابط انسانی برای پویایی یک خوشه مورد نیاز است (آشن و ایساکسن^۱، ۲۰۰۲). این شرایط می‌تواند در حیطه یک منطقه از سطح محلی تا ملی، بین المللی و جهانی را در بر گیرد. با این حال آن چه می‌تواند در یک منطقه خاص برای توسعه آن منطقه راهگشا باشد ایجاد گره‌هایی همانند قلاب است تا آن‌ها را ارتقا دهد؛ به این معنی که یک مزیت رقابتی خاص از ترکیب منحصر به فردی از مهارت‌های فنی و نیروی کار بومی، تامین کنندگان مهارت‌های تخصصی، تقاضای خریدارن و ... ایجاد می‌شود.

خوشه‌ها برای رشد نیازمند انبوهی از منابع تخصص یافته هستند؛ در حالی که مناطق روستایی کم‌تر از این فرصت‌ها برخوردار می‌باشند. در بعضی از مناطق تکامل یک خوشه غیر ممکن است؛ در برخی دیگر از مناطق وابستگی شدیدی به خدمات بخش دولتی و حمایت‌های آن وجود دارد؛ بنابراین فعالیت‌های کارآفرینی در چنین مناطقی در قالب طرح‌های ابتکاری خوشه‌ها با تردید و ریسک زیاد مواجه هستند (توماس آندرسون، ۲۰۰۴).

استراتژی‌های خوشه‌ای ممکن است یکی از محدود استراتژی‌های مبتنی بر مکان باشد که در برخی از مناطق با نیاز فوری و ضروری به منابع بتواند از منابع موجود و بومی به صورت کامل و هدفمند و در ترکیب بهینه استفاده نماید. از طرف دیگر در صورت تخصیص ناهینه منابع امکان اتلاف تمامی منابع وجود دارد. تلاش برای تمرکز و تاکید بر این مناطق باید با دقت و با در نظر گرفتن دارایی‌ها و سرمایه‌های فوق‌العاده محلی و با اقدامات نوآورانه برای حفظ و تقویت آن‌ها صورت گیرد (توماس آندرسون، ۲۰۰۴). در میان بسیاری از مکان‌های مورد مطالعه در اروپا و محدودیت‌های صنعتی آن، بسیاری از محققان در پی دستیابی به راهکاری برای اشاعه فناوری و صنایع مدرن می‌باشند؛ به گونه‌ای اقدامات کارشناسی برای بومی‌سازی فناوری انجام پذیرد. این نوع رویکردها خیلی سریع به مدل‌هایی برای توسعه روستایی تبدیل شدند (استوارت روزن‌فیلد، ۲۰۰۹).

با حمایت‌های صورت گرفته توسط طرح مارشال گروه‌های تجاری، آموزشی، دولتی و نهادی برای مطالعه سیاست‌ها و صنایع در اروپا طرح‌های اقتصادی را در کشورهای ایتالیا، دانمارک، آلمان و هلند پیگیری کردند. در نتیجه این اقدامات شبکه‌ای از کارخانجات تولیدی الگوهایی برای کمک به بقای بنگاه‌های کوچک با رویکرد افزایش رقابت پذیری در اقتصاد جهانی در دستور کار قرار دادند. حکایت این مدل‌ها مانند محوری است که دیگر بخش‌های دورافتاده را از طریق سیاست‌های هماهنگ حمایت می‌کرد. به تدریج با گسترش تجارت در پیرامون این محورها مناطق تجاری روستاهای امریکا تبدیل به اهداف سیاستی شدند. مشکلات و مشقات اقتصادی و به خصوص اقتصاد روستایی محرکی شد تا تعدادی از شرکت‌ها و بنگاه‌ها که دارای قابلیت همکاری با یکدیگر می‌باشند در قالب طرح‌های خوشه‌ای بتوانند بخشی از ضعف‌های مربوط به عدم رقابت‌پذیری و انحطاط نوآوری را جبران کند. فروپاشی و بحران اقتصادی، ورشکستگی و ناتوانی کارفرمایان بزرگ و کوچک و کم‌کاری و بیکاری مداوم راه را برای رویکردهای جدید در قبال این مسائل گشود و سازمان‌های توسعه روستایی، سازمان‌های اجتماعی و دیگر نهادهای مرتبط خوشه‌ها و شبکه‌ها را به عنوان جایگزین معرفی کردند.

هر بررسی از عملکرد اقتصاد منطقه ای بایستی با قواعد شفاف و واضحی برای چگونگی اندازه گرفتن عملکرد و تبعات بعدی آن انجام شود. استاندارد های منطقه ای موجود توسط بهره وری اقتصاد منطقه تعریف می‌شود. بهره وری نیز توسط کالاها و خدمات تولید شده هر واحد نیروی کار، سرمایه و منابع طبیعی به کار گرفته شده می‌باشد. بهره وری مجموعه ای از دستمزدها است که می‌تواند پایدار بماند و در یک منطقه سرمایه گذاری شود (به صورت سرمایه گذاری در یک منطقه جلوه نماید) - دو جز اصلی درآمد سرانه می‌باشد. درآمد از منابع دیگر از قبیل پرداخت های انتقالی یا یارانه، نمی‌تواند به خوبی عملکرد اقتصادی یک منطقه را بازگو نماید. به طور کلی اشتغال دولتی در زمینه رقابتی تعریف نشده است. در این گزارش از دستمزدهای به دست آمده از بخش

¹ Asheim and Isaksen,



خصوصی تاکید می شود. بنابراین این گزارش از تجزیه و تحلیل های دیگر که ترکیبی از همه انواع اشتغال و درآمد را در بر می گیرد متفاوت است. بهره وری بر خلاف کاربرد های رایج (معنایی) بیش از کارایی دارد. بهره وری به ارزش تولیدات یا خدمات یک منطقه که بنگاه ها می توانند تولید کنند وابسته است و به وسیله قیمتی که تولید کنندگان تعیین می کند و نه صرفا توسط چارچوب و موارد مورد نظر استاندارد. چالش اصلی که می تواند یک منطقه با آن مواجه شود این است که شرایطی ایجاد شود به موجب آن شرکت های منطقه نتوانند به سطح بهره وری بالا و رشد بهره وری پایدار دست یابند. عملکرد اقتصاد منطقه ای باید در سطوح مختلف (چندگانه) برای نشان دادن رفاه فعلی، بهره وری و ظرفیت برای بهبود بهره وری در طول زمان اندازه گیری شود. استاندارد پایدار برای زندگی توسط سطح و نرخ رشد دستمزد های متوسط های منطقه و سهم شهروندانی از آن منطقه که اشتغال دارند اندازه گیری می شود. همچنین استاندارد زندگی توسط هزینه زندگی تحت تاثیر قرار می گیرد که به طور عادی (معمولی) / رایج) در روستاها کم تر است. در طول زمان، عملکرد یک منطقه در توانایی آن منطقه برای جذب و حفظ افزایش سطح جمعیت منعکس شده است. پیش روی و نفوذ بهره وری همانند آن است که بنگاهی که در یک منطقه فعالیت می کند توانایی حفظ بازار محلی را با قدرت تاثیرگذاری بیش تری دارا است. هر چند بهره وری منطقه ای می تواند حتی خیلی سریع تر از حد تصور رشد کند؛ آن وقت که منطقه قادر به صادرات محصولات رقابتی در سراسر مرز های ملی و منطقه ای باشد. این امر به یک منطقه امکان می دهد در زمینه (تخصص های) خود فراتر از اندازه بازار های محلی رشد کند. پورتر (۲۰۱۰) پیرامون مفهوم رقابت و ارتباط آن با بهره وری معتقد است رقابت همان بهره وری است که یک ملت از نیروی کار، سرمایه و منابع طبیعی استفاده می کند. در واقع بهره وری و رفاه به چگونگی رقابت یک ملت وابسته است و نه آن چه صنایع در آن رقابت می کنند. از طرف دیگر نوآوری بی وقفه برای هدایت رشد بهره وری لازم است و استانداردهای زندگی را افزایش می دهد. همچنین رقابتی شدن در سطح ملی محیط بهره ورانه تری برای کسب و کار ایجاد می کند و بخش دولتی و خصوصی نقش متفاوت اما به هم مرتبط در ایجاد اقتصاد بهره ور دارند. در مدل های قدیمی دولت ها از طریق سیاست گذاری و ارائه مشوق ها توسعه اقتصادی راهبردی می کردند. این مدل ها از بالا به پایین بود. مدل های جدید توسعه یک فرآیند مشارکت گونه شامل دولت در سطوح گوناگون، نهادهای گوناگون، نهادهای یادگیری، آموزشی و تحقیقاتی، انجمن های صنعتی و دیگر نهادهای لازم برای مشارکت است. رقابت پذیری باید یک فرآیند بالا به پایین باشد که در آن بسیاری از افراد، شرکت ها و نهادهای موجود مسئولیت و وظیفه های دارند.

نتایج

راهبردهای اصلی توسعه روستایی برای سال های متمادی بر اطمینان بخشی به مردم محلی و به بیانی دیگر هم دردی با آن ها از طریق اجرای برنامه های اجتماعی و سرمایه گذاری دولتی و یا تلاش برای جذب شرکت های در مقیاس بزرگ معطوف بوده است. اما شرکت های بزرگ به فعالیت در تراکم های بزرگ همراه با جذب نیروی کار با تحصیلات خوب و نزدیکی به مراکز سیاست گذاری رغبت دارند. بنابراین نواحی روستایی نمی تواند برای آن ها جاذبه داشته باشد. پیشنهاد می دهد مناطق روستایی باید از بروز رسانی اطلاعات کسب و کار محلی برای احیای اقتصاد خود بهر مند شود. این به معنای استفاده از صرفا کسب و کار های بزرگ نمی باشد؛ بلکه کسب و کار های کوچک و متوسط نیز با استفاده از نهادهای و مواد خام موجود در نواحی روستایی می توانند جریان تولید را راه اندازی نمایند و موجب ایجاد تحولات در سطح نواحی روستایی گردند. تاسیس واحدهای رقابتی هم در رفاه پایدار موثر خواهد بود.



مناطق روستایی با چالش‌های دیگری هم مواجه می‌باشند: فاصله فیزیکی از مناطق با منابع و مواهب غنی موجب می‌شود اطلاعات و دانش به سختی کسب گردد. به این ترتیب در مناطق کم‌تر برخوردار دور باطلی از عقب‌ماندگی سبب می‌شود. به این ترتیب که اعضای جوان و فنی از این مناطق گریزان اند و این امر تضعیف تقاضای محلی برای کالاها و خدمات را در پی دارد. به نظر می‌رسد با استفاده از راهکارهایی که مبتنی بر مشارکت جمعی و مزیت‌های ارتباط انسانی است می‌توان بخشی از ضعف‌ها و کمبودها در نواحی روستایی را برطرف کرد. ساختار خوشه‌های روستایی در تناسب با اهداف اقتصادی توسعه روستایی از قابلیت‌های فراوانی برخوردارند. ضمن آن که توسعه روستایی خوشه‌های متفاوت به اشکال خیلی گوناگونی در جغرافیای هر کشوری پراکنده می‌شوند. این پراکندگی با توجه به موارد زیر قابل تفکیک است:

- ۱- الگوهای پراکندگی خوشه نشان دهنده تنوع مناطق از نظر اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد.
- ۲- برای برخی تخصص‌های خوشه‌ای درون یک بخش خاص الگوهای تخصصی منطقه‌ای زیادی وجود دارد؛ اما در رابطه با خوشه‌های دیگر این مورد نمی‌تواند مصداق داشته باشد
- ۳- مشخص کردن یک منطقه در قالب یک خوشه مجزا یا فعالیت اقتصادی به سادگی از طریق تشخیص تخصص منطقه‌ای و بررسی‌های همگنی منطقه‌ای خوشه امکان پذیر است.
- ۴- اگرچه بخش‌های روستایی به طور تاریخی وقفه و عقب‌ماندگی نسبت به شهرها دارند؛ اما شواهدی هر چند محدود نشان دهنده کم شدن عملکرد اقتصاد شهری با اقتصاد روستایی می‌باشد.
- ۵- سرمایه انسانی (که با شاخص‌های پیشرفت تحصیلی اندازه‌گیری می‌شود) عامل اصلی مربوط در ارتباط با رشد درآمد در بخش‌ها می‌باشد.

منابع مورد استفاده

- ۱- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی
- ۲- مجموعه برنامه پنج ساله پنجم جمهوری اسلامی ایران
- 3- Andersson, T., & Schwaag Serger, S., & Sorvik, J., & Wise Hansson, E. (2004). The cluster policies whitebook. International organization for knowledge economy and enterprise development.
- 4- Barbieri, E., & Tommaso, M. R. D.M., & Bonnini. S. (2012). Industrial development policies and performances in Southern China: Beyond the specialized Industrial cluster program. China Economic Review, 23.
- 5- Benner, M. (2013). From smart specialization to smart experimentation: Towards a new theoretical framework for EU regional policy. Retrieved December 30, 2013, from <http://mpra.ub.uni-munchen.de/51843/>
- 6- Bernini, C. (2009). Convention industry and destination clusters: Evidence from Italy. Tourism Management, 30.
- 7- Boari, C., & Fioretti, G., & Odorici, V. (2008). Rivalry and learning among clustered and isolated firms. Retrieved January 13, 2014, from <http://mpra.ub.uni-munchen.de/13066/>



- 8- Chen, X. (2010). Issues of Chinas rural development and policies. *China Agricultural Economic Review*. 2(3).
- 9- Desrochers, P. (2004). Cluster- based economic strategy, facilitation policy and the market process. *The Review of Austrian Economics*. 17(2).
- 10- Felzensztein, C., & Stringer. C., & Benson- Rea. M., &Freeman. S. (2013). International marketing strategies in industrial clusters: Insights from the Southern Hamisphere. *Journal of Business Research*.
- 11- Fioretti, G. (2008). Individual contacts, collective patterns. Prato 1975- 97, a story of interaction. Retrieved January 15, 2014, from <http://mpr.ub.uni-munchen.de/8202/>
- 12- Hagadone, T. A., & Grala. R. K. (2012). Business clusters in Mississippis product industry. *Forest Policy and Economy*, 20.
- 13- Hashino, T., & Otsuka, K. (2013). Cluster- based industrial development in contemporary developing countries and modern Japan economic history. *J. Japaness Int. Economies*, 30.
- 14- Irvin, E. G., & Isserman, A. M., & Kilkenny. M., & Partridge, M. D. (2010). A century of research on rural development and regional issues. *American Journal of Agricultural Economics*, 92(2).
- 15- Kohlbacher, M., & Weitlaner, D., & Hollosi, A. (2013). Innovation in clusters: Effects of absorptive capacity and environmental moderators. *Competitiveness Review: An International Business Journal*, 23(3).
- 16- Lai, Y.L., & Hsu, M.S., & Lin, F.J., & Chen, Y.M., & Lin, Y.H. (2013). The effect of industry cluster knowledge management on innovation performance”. *Journal of Business Research*.
- 17- Lobianco, A.,& Esposti, R. (2010).The regional Multi- Agent simulator (Reg Mass): an open- source spatially explicit model to assess the impact of agricultural policies. *Computers and Electronics in Agriculture*, 72 (1).
- 18- Milanez, B., & Oliveira. (2013). Innovation for sustainable development in artisan minning: Advances in a cluster of opal mining in Brazil. *Resources Policy*, 38.
- 19- Mildorf, T.,& Charvat, K. (2012). ICT for agriculture, rural development and environment. *Czech center for science and society wirelessinfo*.
- 20- Mulligan, G. F., & Partridge, M. D., & Carruthers, J. I. (2012). Central place theory and its reemergence in regional science. 50th anniversary issue of *The Annual of Regional Science*. Barcelona, Spain.
- 21- Nwaobi, G. C. (2011). Productivity and cognitive innovation strategy: Africaan framework design”. Retrieved January 18,2014, from <http://mpr.ub.uni-munchen.de/29728/>
- 22- Oliveira, J. A. P. D., & Ali, S. H. (2011). Gemstone mining as a development cluster: A study of Brazils emerald mines. *Resource Policy*, 36.
- 23- Padmasiri, H.M. N. (2012).The role of human and social capital on the development of wooden furniture clusters in Sri Lanka. *International Journal of Development Issues*, 11(1).



- 24- Pisani, E. (2010). Beyond the agricultural sector in Latin America: Territorial approaches for rural development. Retrieved January 18, 2014, from <http://mpra.ub.uni-munchen.de/24975/>
- 25- Photis, N. Y., & Tsobanoglou, S. (2009). Measuring urban dynamics through public and private sector concentration patterns: The case of Thessaly, Greece. Retrieved January 18, 2014, from <http://mpra.ub.uni-munchen.de/26133/>
- 26- Rocha, H. O. (2004). Entrepreneurship and development: The role of clusters. *Small Business Economics*, 23.
- 27- Roetter, R.P., & Van Keulen, H., & Kuiper, M. (2007). Science for agriculture and rural development in low income countries. AA Dordrecht, The Netherlands.
- 28- Rosenfeld, S. (2009). Generating local wealth, opportunity, and sustainability through rural clusters. *Regional Technology Strategies*, Inc.
- 29- Spielman, D. J., & Davis, K., & Negash, M. (2011). Rural innovation system and networks: Finding from a study of Ethiopian smallholders. *Agric Hum Values*, 28.
- 30- Solvell, O. (2008). Clusters balancing evolutionary and constructive forces. *IVORY Tower publisher*, Karlavagen 70.
- 31- Steinfield, C., & LaRose, R., & Chew, H. E. (2012). Small and medium- sized enterprises in rural business clusters: The relation between ICT adoption and benefits derived from cluster membership. *The Information Society*, 28.
- 32- Theus, F., & Zeng, D. (?). *Agricultural clusters*. World Bank.
- 33- Wixted, B. (2006). Cluster complexes: A framework for understanding the internationalization of innovation systems. Retrieved January 19, 2014, from <http://mpra.ub.uni-munchen.de/846/>
- 34- Cluster development for pro- poor growth: the UNIDO approach.
- 35- OECD Reviews of regional innovation. *PIEDMONT*, Italy.
- 36- Unlocking rural competitiveness; the role of regional clusters. U.S. Economic Development Administration.



Rural development based on expand of business environment: On clusters approach

Mohammad Tirgari Seraji^{*1}, Mahmood Daneshvar Kakhki²,

¹ student of agricultural economics, policy and rural development, Ferdowsi university of Mashhad, Iran,

² Professor of agricultural economics department, Ferdowsi university of Mashhad, Iran

Abstract

Attention to the concept of knowledge and competitiveness is more important for rural economic survival while industrialization and urbanization are strongly extension. Because many living firms of rural families or whom living in remote areas removed with urban industrial due to lack of competitiveness. Therefore, negative side effects of new economic growth on local (rural) economic development should be disposal and removal with adopt a regional approach by national or local government. Rural Development requires the use of a variety of agricultural and non-agricultural industries and rural land use, rural jobs and higher income per capita. Rural clusters are one of the most important tools to eliminate shortcomings and obtaining rural development through competitiveness of rural firms. Cluster is a concept that has been the attention by researchers and policy makers from two past decades. The clusters have been much attention in regional development programs of Europe Union to 2020. With Clusters ability remove the negative externalities of economic development in rural areas and every types of activity such as agricultural and non-agricultural business boomed. This propose achieve through attention to knowledge transfer and innovation as indicators that clusters caused them. As yet numerous studies by researchers or commissioned by international organizations on explaining and expanding of clusters concept and structure have been conducted. The propose of our investigation is reviews on last study and Explaining the features and functions of clusters in order to make optimum use of economic factors, natural resources and rural infrastructure of increase rural employment and improving the business environment, the prevention of irregular migration to cities, increasing awareness of the potential opportunities and talent in rural natural and man (men and women) with an emphasis on knowledge and innovation.

Key Words: rural development, rural clusters, knowledge transition, competitiveness, innovation